

در بحث از جامع صحیحی ها خواندیم که مرحوم اصفهانی، موضوع له صلوة را «عملی مبهم (عمل مبهم) که اثرش نهی از فحشا باشد» می دانست. ایشان در تبیین جامع بنا بر قول اعمی ها می نویسند:

«إن وضع بإزاء المبهم إلا من البين أن حيثية الصدور ليس من أجزاء الصلاة فليست مما يقوم به الأثر فكل مرتبة من مراتب الصلاة لها اقتضاء النهي عن الفحشاء لكن فعلية التأثير موقوفة على صدورها من أهلها، لا ممن هو أهل لمرتبة أخرى.»^۱

توضیح :

- ۱) اگر لفظ صلوة وضع شده باشد برای عملی مبهم که از همه جهات مبهم است و تنها جهتی که در آن مبهم نیست، «فعلیت نهی عن الفحشا بودن» است (و این حیثیت ناهی بودن حیثیت تقییدیه نیست یعنی جزء موضوع له نیست بلکه صرفاً معرف آن عمل مبهم است)، در این صورت موضوع له صلوة، صرفاً شامل نمازهای صحیح می شود.
- ۲) ولی اگر گفتیم: مراد از «ناهی از فحشا بودن»، نهی بالفعل از فحشا نیست بلکه نهی اقتضایی است، [یعنی آن عملی که اقتضای نهی از فحشا دارد]، موضوع له صلوة شامل نمازهای فاسد و نمازهای صحیح می شود. چراکه هر مرتبه ای از مراتب نماز (مثل نماز بی وضو) اقتضای نهی دارد ولی فعلیت آن موقوف است به اینکه آدمی که آب ندارد، آن را به جای آورد.

ما می گوئیم:

- ۱) تکمیل بر فرمایش مرحوم اصفهانی در جامع صحیحی:

در بررسی فرمایش مرحوم اصفهانی در جامع صحیحی گفتیم از دیدگاه ایشان موضوع له برای واضع هم مبهم است و آنجا با پذیرش سخن مرحوم آخوند گفتیم باید موضوع له برای واضع روشن باشد. در حالیکه می توان قول اصفهانی را نیز در آن بحث پذیرفت، یعنی اگر چیزی مبهم بود (چه واضع آن را بشناسد و چه نشناسد) می تواند موضوع له لفظ قرار گیرد در حالیکه با برخی از آثارش شناخته می شود. پس از دیدگاه ایشان صلوة، عمل است اما نه هر عملی، بلکه عملی که آن را می توان با اثرش شناخت. پس صلوة وضع شده است برای مفهومی که عبارت است از عملی که با اثرش شناخته می شود.

- ۲) اما این سخن ایشان جامع افراد نیست چراکه:

أولاً: نمازهای پنج رکعتی (مثلاً) و نماز بی قصد قربت و ... در هیچ حالتی نمازی نیست که اقتضای نهی داشته

۱. نهاية الدراية، ج ۱ ص ۱۱۳



باشد یعنی نمازی نیست که اگر اهلش آن را خواندند، نهی اش به فعلیت برسد. پس جامعی که ایشان تصویر کردند، شامل نمازهای فاسد نمی شود.

این قلت: مراد ایشان را توسعه دهیم و بگوییم ایشان می خواهند بگویند همه نمازهای فاسد - ولو آنکه فساد ناشی از زیادت باشد - بالاخره اقتضای نهی از فحشا دارند ولی مانع (همان زیادت) آن اقتضا را از رسیدن به فعلیت منع کرده است.

قلت: در این صورت اگر کسی تنها «تشهد و قیام» را آورد این عمل اقتضای نهی از فساد دارد (اگر بقیه اجزاء به آن ضمیمه شود) ولی قطعاً این عمل را عرف «صلوة» (و لو فاسد) نمی داند. پس با این بیان، جامع مد نظر ایشان، مانع اغیار نمی شود و برخی از اموری که صلوة نیستند عرفاً، داخل در جامع مورد نظر ایشان می شوند. ثانیاً: رابطه اقتضا و فعلیت، رابطه قوه و فعل است و این رابطه، تضاد و یا عدم و ملکه است و لذا چنین نیست که اقتضا شامل فعلیت شود. پس نمازهای صحیح، اقتضای صحت را ندارند بلکه فعلیت آن را دارند. و لذا اگر گفتیم در جامع «اقتضای نهی» را ملحوظ می کنیم، لاجرم صلوة های صحیح را از تحت جامع خارج کرده ایم.

